

# چرا کتاب مقدس کلام خداست؟

نوشته: گوردن لیندسی  
ترجمه: ط. میکائیلیان

مقدمه ..... ۱

فصل اول: چرا کتاب مقدس کلام خداست؟ ..... ۲  
کتاب مقدس به طرز عجیبی حفظ شده است  
عهد جدید چطور نوشته شد  
کتاب مقدس ادعا می کند که توسط الهام الهی نوشته شده است  
عیسای مسیح اعلام فرمود که کتاب مقدس دارای الهام الهی می باشد  
کتاب مقدس دارای الهام الهی است، زیرا همه را به خود علاقه مند می سازد  
کتاب مقدس جوانان را هم به سوی خود جلب می نماید

فصل دوم: تاریخ، صحت کتاب مقدس را تأیید می نماید ..... ۶  
کتاب مقدس محل تولد مسیح را پیشگویی کرده است  
لازم بود مسیح از دختر باکره متولد شود  
کتاب مقدس زمان دقیق تولد عیسی را پیشگویی کرد  
کتاب مقدس نوع خدمات مسیح را پیشگویی کرد

فصل سوم: علم ثابت می کند که کتاب مقدس کلام خداست ..... ۹  
کتاب مقدس اعلام می کند که دنیا گروی شکل است  
کتاب مقدس اعلام می کند که زمین حرکت وضعی دارد  
کتاب مقدس متوجه بود که تعداد ستارگان بی شمار است  
کتاب مقدس به برق یا الکتریسیته (رادیو) برای رساندن صدا از جایی به جای دیگر اشاره می کند  
کتاب مقدس می دانست که در مرکز زمین آتش  
کتاب مقدس اختراع تلویزیون را پیشگویی کرده اس  
کتاب مقدس اختراع اتومبیل را پیشگویی کرده است

فصل چهارم: پیشگویی های انجام شده که صحت کتاب مقدس را ثابت می کنند ..... ۱۱  
پیشگویی چهار امپراطوری جهان  
ولی شهر صیدون تاکنون پایدار است  
مراجعت یهودیان به اسرائیل  
چرا باید کتاب مقدس را به عنوان کلام خدا بپذیریم  
مرگ مسیح بر روی صلیب برای شما چه مفهومی دارد

خدا توسط کتاب مقدس به انسان سخن می گوید. انسان می تواند بوسیله خواندن و مطالعه کتاب مقدس با خدا صمیمانه گفتگو کند و مطالبی از او بیاموزد. کتاب مقدس را مردانی نوشته اند که روح القدس آنها را راهنمایی و رهبری فرموده است. نویسندگان کتاب مقدس فقط یک نفر نبوده، بلکه خدا عده زیادی را به کار برده است تا کتاب مقدس نوشته شود، ولی با وجود این تمام قسمت های کتاب مقدس با یکدیگر مطابقت دارند و مکمل یکدیگر می باشند. خدای واحد حقیقی خالق تمام کائنات می باشد. او انسان را بدین منظور خلق فرمود که دوست و همدم وی باشد، ولی شیطان پلید که از خدا و مخلوقات وی نفرت داشت نزد انسان آمد و برای فریب دادنش به وی گفت که اگر از اطاعت خدا سرپیچی نماید مانند خدا پر از دانایی و حکمت خواهد شد. بدین طریق انسان با این عمل خود از حضور خدا دور شد، ولی وقتی انسان خود را از خدا جدا دید و از دوستی و رفاقت با خدا محروم گردید متوجه شد که نه فقط مانند خدا نشده، بلکه زندگانش بی معنی و باطل گردیده است. انسان سقوط کرده بود و دیگر نمی توانست با خدا نزدیک باشد. تا امروز هم زندگی انسان پر از غم و غصه و ناامیدی است، زیرا انسان بوسیله نیروی شرارت یعنی شیطان فریب خورده است.

دردناکتر از همه این است که وقتی بدن انسان می میرد روحش که از خدا جدا می باشد نمی تواند در ملکوت خدا که پر از صلح و صفا و شادمانی بی حد است ساکن گردد، بلکه به ملکوت شیطان (یا جهنم) که پر از بی نظمی و نفرت و شرارت و عذاب می باشد خواهد رفت، ولی خدا انسان را دوست می دارد و به همین دلیل نقشه ای طرح فرمود که انسان بتواند از مجازات جدایی ابدی از خدا خلاص شود. خدا فرزند یگانه خود یعنی عیسی مسیح را به صورت انسان به جهان فرستاد تا بتواند طعم مرگ و جدایی از خدا را بچشد و بدین طریق مجازات ما را بر دوش خود بگیرد. بوسیله قبول کفاره مسیح که به جای ما جان داد و بوسیله قبول فرمانروایی روح القدس در زندگی خودمان می توانیم از نقشه ای که خدا برای نجات بشر کشیده است استفاده کنیم. از این راه می توانیم لطف و محبت الهی را بسوی خود جلب نماییم. عیسی مسیح وقتی در این جهان بود چنین فرمود: «من راه و راستی و حیات هستم. هیچ کس نزد پدر جز بوسیله من نمی آید» (یوحنا ۱۴: ۶). این است راه نزدیک شدن به خدا و استفاده از برکات وی. ما حتی در موقعی که در این جهان خاکی زندگی می کنیم می توانیم حضور روح خدا را احساس و درک کنیم و وقتی بدن ما بمیرد خدا بدن پر جلال جدیدی به ما خواهد داد. در آن موقع تا ابدالابد با خدا زندگی خواهیم کرد.

این حقایق را از کجا میدانیم؟ خدا خودش را و نقشه خود را توسط کتاب مقدس آشکار فرموده است. روح القدس نویسنده تمام کتاب مقدس است. روح القدس به عده ای از پیامبران و مردان خدا الهام فرمود که قسمت های مختلف کتاب مقدس را بنویسد. منظور خدا این است که خود را به عنوان خدای واحد و مهربان و پر محبت آشکار سازد و نشان دهد که تمام مردم را دوست دارد. هر چند انسان از خدا دور شد و از اطاعت او سرپیچی کرد، ولی خدا نسبت به ما به قدری محبت داشت که پیامبران قدیم را مدت ۱۵۰۰ سال الهام بخشید تا آنها نقشه او را که برای برگرداندن انسان به سوی خود کشیده بود به مردم اطلاع دهند. خدا توسط پیامبران پیشگویی فرمود که فرزند یگانه خود عیسی مسیح را خواهد فرستاد تا بشر را از بیچارگی و ظلمت نجات دهد. این پیشگویی یا پیام نجات مدت ها قبل از تولد مسیح در عهد عتیق ثبت گردید. سپس در حدود ۱۹۰۰ سال پیش طبق وعده هایی که از طرف خدا داده شده بود مسیح به جهان آمد. عهد جدید عبارت است از مژده آمدن عیسی مسیح که امید جهان و نور عظیمی است که انسان را از ظلمت و نومیدی رهایی بخشد. کتاب های دیگر ممکن است سودمند باشند، ولی فقط کتاب مقدس راه حیات جاودانی با خدا را نشان می دهد و می گوید که چگونه می توانیم در این دنیا زندگی پیروزمندانه ای داشته باشیم، چون خدا خالق ماست به همین دلیل ما را خیلی بهتر از خودمان می شناسد. ممکن است اشخاص حکیم و دانشمند بتوانند قوانین و مقررات بسیار خوبی وضع نمایند، ولی دانش و معلومات آنها محدود است. خدای ما همه چیز را می داند و تمام قدرت در آسمان و زمین در دست اوست و مهمتر از همه این که او تمام مردم را دوست دارد.

## فصل اول: چرا کتاب مقدس کلام خداست؟

در تمام قسمتهای آن هماهنگی و وحدت عجیبی وجود دارد. کتاب مقدس شامل شصت و شش کتاب جداگانه میباشد که توسط بیش از سی نفر به سه زبان مختلف نوشته شده است. این سه زبان عبارتند از: عبری - آرامی - یونانی. این کتابها در ظرف مدتی در حدود ۱۶۰۰ سال نوشته شدهاند. نویسندگان کتابهای مختلف کتاب مقدس از طبقات گوناگون بودند و غالبا با یکدیگر تماسی نداشتند. غالب آنها با سازمانهای مذهبی زمان خود در تماس نبودند. کتابی که بیش از سی نویسنده داشته باشد که هر کدام در زمان متفاوتی زندگی کرده و در شرایط مختلفی آثار خود را بوجود آورده باشند طبیعتا باید هیچ نوع هماهنگی و وحدتی نداشته باشند، ولی برعکس در کتابمقدس پیوستگی عقاید و وحدت و هماهنگی عجیبی وجود دارد. یک موضوع بسیار مهم در کتاب مقدس دیده میشود که به تدریج آشکار میگردد و آن عبارت است از رهایی توسط مسیح.

ممکن است بعضی از مطالب ظاهرا ضد و نقیض به نظر برسند، ولی وقتی آنها را بدقت مطالعه نماییم متوجه می شویم که با یکدیگر به طرز عجیبی هماهنگی دارند و این خود دلیلی بر صحت کتاب مقدس است. مطابقت و هماهنگی مطالب کتاب مقدس بین موضوعات بستگی بوجود می آورد و حقایق بتدریج بطرز بهتری آشکار می شود. وقتی تمام حقایق کتاب مقدس را در نظر می گیریم یک طرح بسیار جالب و هماهنگ به وجود می آید که دارای تناسب و زیبایی حیرت انگیزی است. دلیل این امر چیست؟ تنها دلیل قانع کننده ای که می تواند وجود داشته باشد این است که در پشت صفحات کتاب مقدس معرفت و فکر خارق العاده الهی وجود دارد. کتابهای مختلف کتاب مقدس به دو قسمت مهم تقسیم شده اند: عهد عتیق و عهد جدید. در عهد عتیق موضوع مهم عبارت است از پیشگویی آمدن شخصی که هدفش رهایی و دستگیری انسان است و همان عیسای مسیح فرزند یگانه خدا می باشد. عهد جدید توسط شاگردان نزدیک عیسای مسیح نوشته شد. عیسای مسیح به صورت انسان به این جهان آمد تا جان خود را فدا کند. بعد از سه روز از مرگ برخاست تا به مردم حیات ابدی عطا فرماید.

### کتاب مقدس به طرز عجیبی حفظ شده است

به طوری که اشاره شد پیامبران قدیم با الهام روح القدس سخن گفتند (دوم پطرس ۱ : ۱۹ - ۲۱). کلام آنها نوشته شد و برای نسلهای آینده حفظ گردید. بدیهی است که در آن موقع صنعت چاپ وجود نداشت. بعضی از نوشته های اولیه احتمالا بر روی لوحه های گلی نوشته شد و نمونه هایی از آنها توسط باستان شناسان در سرزمین بابل کشف گردیده است. بعضی بر روی چرم نوشته شد. این نوشته ها به شکل طومار بودند. در یک طومار بیش از یک کتاب نوشته نمی شد و به همین دلیل کتابهای عهد عتیق در یک جلد صحافی نشده بود. هیچ کتاب قدیمی به اندازه کتاب مقدس دارای نسخه های خطی متعدد نمی باشد. مثلا از ادبیات قدیم یونان فقط چند نسخه خطی وجود دارد. حتی در بعضی موارد تنها یک نسخه بیشتر موجود نیست، ولی هزاران نسخه خطی از عهد عتیق و عهد جدید در دست است و از روی آنها می توانیم یک متن اصلی و معتبر تهیه نماییم. اختلاف این نسخه های قدیمی بسیار ناچیز و کم اهمیت می باشد و کاملا معلوم است که نسخه برداران در کار خود بسیار دقیق بوده اند. می توان گفت که خدا به حفظ کلام مقدس خودش علاقه زیادی دارد.

### عهد جدید چگونه نوشته شد

تمام کتابهایی که اکنون جزو عهد جدید هستند توسط رسولان مسیح و یا همراهان آنان که با آنها همکاری نزدیک داشته اند نوشته شده است. تقریبا تمام قسمت های عهد جدید در دوره کوتاه بین سال ۵۰ تا ۶۵ میلادی نوشته شده اند (در این مورد تنها استثنایی که وجود دارد رسالات یوحنا و مکاشفه است). از این نوشته ها نسخه های زیادی تهیه گردید و غالب کلیساهای بزرگ آن زمان نسخه های متعددی از این نوشته ها داشتند. این نوشته ها برای جماعت های کلیسایی ارزش زیادی داشت و با دقت تمام حفظ می شد.

در قرن اول میلادی به استثنای نوشته هایی که عهد جدید را تشکیل دادند آثار خطی زیادی بوجود نیامد، ولی از اوایل قرن دوم به بعد نوشته های جعلی زیادی با استفاده از نام رسولان مسیح تهیه شد که بنام نوشته های مشکوک عهد جدید معروف هستند. این نوشته ها با توجه به قرن و دلایلی که در خود آنها مشاهده می شود توسط تمام کلیساهای

مسیحی مردود شناخته شده‌اند. حتی یک مطالعه سطحی نشان می‌دهد که این نوشته‌ها اعتباری ندارد و معلوم می‌شود که نویسندگان دارای اغراض شخصی بوده‌اند. مثلاً در یکی از این نوشته‌های مشکوک چنین می‌خوانیم که عیسی مسیح در کودکی با قدرت معجزه‌آسای خود از گل پرنده درست می‌کرد و این پرندگان با دستور او بال و پر پیدا می‌کردند و به پرواز درمی‌آمدند! در یکی دیگر از آنها به مسیح این تهمت وارد شده که جوانی را کشته و برای این که بی‌گناهی خود را ثابت کند این جوان را دوباره زنده کرده است. با این حال در قرن دوم نوشته‌های دیگری وجود دارند که معتبر هستند. این آثار برای دفاع از حقانیت تعالیم مسیح و رسولان وی در مقابل بدعت‌ها نوشته شده‌اند. این نوشته‌ها که به وسیله آبا کلیسا نوشته شده‌اند به هیچ وجه ادعای الهامی بودن ندارند، بلکه برای اثبات حقانیت خود از نوشته‌های رسولان نقل قول می‌کنند. به تدریج بیشتر روشن می‌شد که نوشته‌های رسولان رجحان بسار عظیمی بر سایر نوشته‌ها دارد. آبا کلیسا متوجه شدند که این میراث گران‌بهای کلیسا نه فقط باید در مقابل هر نوع بدعت و تحریف حفظ شوند، بلکه لازم است برای نسل‌های آینده نگهداری گردد. به همین دلیل بعد از مذاکرات مفصل در شوراهای مخصوص کلیسایی آبا کلیسا تصویب نمودند که عهد جدید با شامل نوشته‌های رسولان باشد.

رسولان شاهدان عینی زندگی مسیح در این جهان بودند. آنها در مورد تعالیم مسیح اطلاعات دست اول داشتند و گفته‌های آنان معتبر بود. پولس به تیموتاؤوس می‌فرماید که تعالیم را به دیگران بیاموزد: «و آن چه به شهود بسیار از من شنیدی به مردمان امین بسیار که قابل تعلیم دیگران هم باشد» (دوم تیموتاؤوس ۲: ۲). در مورد الهامی بودن کتاب مقدس مسیح دو فرمایش مهم فرمود. اولاً به طوری که قبلاً اشاره شد، او تأکید فرمود که مردم باید به آن چه انبیا فرموده‌اند (عهد عتیق) ایمان بیاورند (لوقا ۲۴: ۲۵). ثانیاً به آخرین دستوراتی که به رسولان فرمود به آنها مأموریت داد که تمام حقایقی را که به آنها تعلیم داده است (عهد جدید) را به همه بیاموزند: «و ایشان را تعلیم دهید که همه اموری را که به شما حکم کرده‌ام حفظ کنند و اینک من هر روزه تا انقضای عالم همراه شما می‌باشم» (متی ۲۸: ۲۰). رسولان چطور می‌توانستند این فرمایش مسیح را تا انقضای عالم اجرا کنند؟ تنها به وسیله نوشته‌های الهام شده خودشان که به وسیله حکمت الهی در عهد جدید تا امروز حفظ شده است.

### کتاب مقدس ادعا می‌کند که توسط الهام الهی نوشته شده است

کتاب‌های عهد عتیق ادعا دارند که توسط الهام الهی نوشته شده‌اند. این جمله بارها تکرار شده است: «خداوند چنین می‌فرماید»، «کلام خداوند بر من نازل شد»، «خدا فرمود». مدت‌ها قبل بنی‌اسرائیل چند قرن در مصر به سر بردند، ولی فرعون مصر آنها را برده ساخت و به تدریج وضعشان غیرقابل تحمل گردید. اسرائیل نزد خدا فریاد برآورد و خدا موسی را برانگیخت تا آنها را از اسارت مصر آزاد سازد. وقتی از مصر خارج شدند خداوند بر آنها قانون و شریعتی عطا فرمود و موسی به طور صریح اظهار داشت که خدا با او سخن گفته است: «و خداوند به موسی گفت اینک من بر ابر مظلوم (غلیظ) نزد تو می‌آیم تا هنگامی که به تو سخن گویم قوم بشنوند و بر تو نیز همیشه ایمان داشته باشند. پس موسی سخنان را به خداوند باز گفت» (خروج ۱۹: ۹). «چیزهای مخفی از آن یهوه خدای ماست و اما چیزهای مکشوف تا به ابد از آن ما و فرزندان ماست تا جمیع کلمات این شریعت را به عمل آوریم» (تثنیه ۲۹: ۲۹).

کتاب شریعت یا تورات (پنج کتاب اول عهد عتیق) در تابوت عهد (جعبه‌ای زیبا که توسط دو مرد حمل می‌شد) قرار داده شده بود. تابوت عهد برای بنی‌اسرائیل خیلی مقدس بود و آنها با این کار خود نشان می‌دادند که شریعت را مقدس و الهی می‌دانند. کتاب شریعت شامل برکاتی بود که اسرائیل می‌توانست بر اثر اطاعت از آن به دست آورد و هم چنین شامل لعنت‌هایی بود که بر اثر عدم اطاعت بر اسرائیل وارد می‌شد (یوشع ۸: ۳۰-۳۵). روشن است که یوشع (جانشین موسی) و قوم اسرائیل شریعت موسی را کلام خدا می‌دانستند. نکته بسیار مهم این است که عدم اطاعت بنی‌اسرائیل از شریعت همان نتایجی را به بار آورد که در شریعت پیشگویی شده بود. بر اثر عدم اطاعت قوم تنبیه شدند و از سرزمینی که خداوند به آنها داده بود به اسارت رفتند. در عهد جدید پولس رسول اعلام می‌دارد که کتاب مقدس می‌تواند به ما حکمت ببخشد تا راه نجات را توسط ایمان به مسیح بیابیم. سپس اضافه می‌کند که «تمامی کتب از الهام خداست».

پولس که به یک جوان مسیحی نامه می‌نویسد، چنین می‌گوید: «و این که از طفولیت کتاب مقدس را دانسته‌ای که می‌تواند تو را حکمت آموزد برای نجات به وسیله ایمانی که بر مسیح عیسی است. تمامی کتب از الهام خداست و به جهت تعلیم و تنبیه و اصلاح و تربیت در عدالت مفید است» (دوم تیموتاؤوس ۳: ۱۵ و ۱۶). پطرس رسول به ما اطلاع

می‌دهد که نبوت مانند نوری است که در جای تاریک می‌درخشد و اضافه می‌کند که این نبوت‌ها با میل مردم آورده نشده است، بلکه مردان مقدس خدا به وسیله روح‌القدس سخن گفته‌اند. «و کلام انبیا را نیز محکم‌تر داریم که نیکو می‌کند اگر در آن اهتمام کنید مثل چراغی درخشان در مکان تاریک تا روز بشکافد و ستاره صبح در دل‌های شما طلوع کند و این را نخست بدانید که هیچ نبوت کتاب از تفسیر خود نبی نیست زیرا که نبوت به اراده انسان هرگز آورده نشد بلکه مردمان به روح‌القدس مجذوب شده از جانب خدا سخن گفتند» (دوم پطرس ۱: ۱۹-۲۱). بدین طریق ملاحظه می‌شود که کتاب مقدس اعلام می‌دارد که با الهام الهی نوشته شده است.

### **عیسای مسیح اعلام فرمود که کتاب مقدس دارای الهام الهی می‌باشد**

خود عیسای مسیح اعلام فرمود که کتاب مقدس توسط خدا الهام شده است. بارها تکرار فرمود که تمام پیشگویی‌های کتاب مقدس عملی خواهد شد. (متی ۱۳: ۱۴، لوقا ۲۱: ۲۲، یوحنا ۱۳: ۱۸ و ۱۵: ۲۵ و ۱۷: ۱۲). عیسی به عنوان تأیید صحت شریعت موسی چنین فرمود: «لیکن آسان‌تر است که آسمان و زمین زائل شود از آن که یک نقطه از تورات ساقط نگردد» (لوقا ۱۶: ۱۷). این کلمات به طور واضح نشان می‌دهد که کتاب مقدس واقعا کلام خداست. مسیح به شاگردان خود تعلیم فرمود که باید به تمام سخنان پیامبران ایمان داشته باشند: «او به ایشان گفت ای بی‌فهمان و سست‌دلان از ایمان آوردن به آنچه انبیا گفته‌اند، آیا نمی‌بایست که مسیح این زحمات را ببیند تا به جلال خود برسد؟ پس از موسی و سایر انبیا شروع کرده اخبار خود را در تمام کتب برای ایشان شرح فرمود... و به ایشان گفت همین است سخنانی که وقتی با شما بودم گفتم ضروری است که آن چه در تورات موسی و صحف انبیا و زبور درباره من مکتوب است به انجام رسد» (لوقا ۲۴: ۲۵-۲۷ و ۴۴). از این آیات این طور فهمیده می‌شود که عیسای مسیح کتاب مقدس را از الهام خدا می‌دانسته و عقیده داشته است که تمام گفته‌های آن انجام خواهد شد. او با تأکید زیاد اعلام فرمود کسانی که در مورد ایمان آوردن به کلام انبیا سست‌دل هستند «بی‌فهم» می‌باشند. عیسای مسیح کلام خود را هم الهامی می‌داند، زیرا می‌فرماید «آسمان و زمین زایل می‌شود لیکن کلمات من هرگز زایل نشود» (مرقس ۱۳: ۳۱).

عیسای مسیح در فرمایشات خود از بیشتر کتاب‌های عهد عتیق نقل قول می‌کند و یا به آنها اشاره می‌کند و به این طریق الهامی بودن آنها را به عنوان کلام خدا تأیید می‌نماید (لوقا ۴: ۱۷-۱۹، متی ۲۲: ۳۱-۳۲، لوقا ۱۶: ۲۹-۳۱). چون عیسی در مورد خودش ادعا فرمود که فرزند خداست (یوحنا ۱۰: ۳۶) اگر در مورد الهامی بودن کتاب مقدس اشتباه کرده بود دیگر نمی‌توانست فرزند خدا باشد بلکه فقط یک فریکار می‌بود، ولی می‌دانیم که عیسی در واقع راه و راستی و حیات است. به طوری که بعداً مشاهده خواهیم کرد کتاب مقدس که قرن‌ها قبل از مسیح، آمدن او را پیشگویی کرد با دلایل بسیار محکم ثابت می‌کند که او فرزند خداست.

### **کتاب مقدس دارای الهام الهی است، زیرا همه را به خود علاقه‌مند می‌سازد**

کتاب مقدس هرگز قدیمی نشده است. هر سال صدها میلیون نسخه از آن به بیش از هزار و پانصد زبان چاپ می‌شود. کتاب مقدس در حالی که دارای سبک پرشکوهی می‌باشد دارای سادگی نیز هست و هم اشخاص تحصیلکرده و هم ایمانداران ساده را به سوی خود جلب می‌نماید. کودکان از شرح حال یوسف و سموئیل و داوود و دانیال لذت می‌برند و اشخاص پیر که گذشت ایام پشت آنها را خمیده کرده است، از کتاب مقدس امید و تسلی می‌یابند. بزرگان لشکری و کشوری شهادت داده‌اند که هر روز قسمتی از کتاب مقدس می‌خوانند و الهام می‌یابند. حقوق‌دانان یک نسخه از آن را در دست دارند. میلیون‌ها نفر از مسیحیان عادت دارند که هر روز چند فصل از آن را به طور مرتب بخوانند. کتاب مقدس برای تمام مردم اعم از زن و مرد و از هر طبقه و نژاد مناسب می‌باشد. یک بار وقتی در دریای جلیل طوفان برپا شد و نزدیک بود کشتی مسیح و شاگردانش غرق شود، مسیح در کمال آرامش فرمود: «ساکن شو و آرام باش» و دریا آرام گردید. عده زیادی که شرح این واقعه را در کتاب مقدس خوانده‌اند شک‌هایشان برطرف شده است و آرامش یافته‌اند. کتاب مقدس راهنمای زندگی است و پیام آن آرزوهای قلبی انسان را برآورده می‌سازد. کتاب مقدس برای تمام ملت‌ها در تمام قرون مناسب می‌باشد. فقط خدا می‌تواند اثری به وجود آورد که برای تمام مردم مناسب باشد.

### **کتاب مقدس جوانان را هم به سوی خود جلب می‌نماید**

کتاب مقدس کتاب جوانان است هرچند کتاب پیران هم می‌باشد. کتاب مقدس به طرز مخصوصی به جوانان تعلق دارد. کتاب مقدس تنها کتابی است که مطالب با ارزشی درباره انسان اولیه بیان می‌کند و از یک نظر جوانی افراد با

دوره جهانی جوان بی ارتباط نیست. یقین می توان گفت که خدا حقایق عمیق کتاب مقدس را از حکما و دانشمندان مخفی کرده و به کودکان مکتشف فرموده است. غالب قهرمانان کتاب مقدس جوان بوده اند. آدم و حوا که اولین زن و مرد هستند، مستقیماً توسط خدا خلق شدند. در حالی که تواریخ دنیوی غالباً درباره مردان و زنان بزرگسال و پادشاهان و ملکه ها و سیاستمداران سخن می گویند، کتاب مقدس مطالب زیادی درباره ایام جوانی قهرمانان خود ذکر می نماید. مثلاً اسحق و یعقوب و موسی و داوود و یوناتان و دانیال در عهد عتیق نمونه هایی از این افرادند. تمام اینها در ابتدا جوان بودند. یحیی تعمید دهنده و پولس و دوازده شاگرد مسیح در سنین جوانی در عهد جدید به ما معرفی شده اند. جوانان دوست دارند که شرح حال جوانان را بخوانند، زیرا می توانند امیدها و آرزوها و سوسه ها و موفقیت ها و شکست های آنها را درک نمایند.

کتاب مقدس پر از ماجراهای جالب می باشد که از آن جمله شرح طوفان نوح که از آن فقط یک نفر با خانواده اش رهایی یافت، شرح حال یوسف که به عنوان غلام به مصر برده شد، ولی بعداً فرمانروای آن کشور گردید، شرح حال داوود و دوستی صمیمانه او با یوناتان، شرح حال شدربک میشک و عبد نغو سه جوان عبرانی که به تنور آتش انداخته شدند ولی زنده ماندند و هم چنین شرح حال دانیال که به چاه شیران انداخته شد. اینها فقط چند نمونه از ماجراهای جالب کتاب مقدس است. بالاخره می دانیم که خود عیسی مسیح هم جوان بود. کارهای بزرگش کارهای متهورانه یک جوان است. در واقع وقتی مسیح بر بالای صلیب جان داد هنوز در سنین جوانی خود بود. کتاب مقدس که کلام خداست با جوانان سخن می گوید. جوانان می توانند در کتاب مقدس حقیقت و هدف و الهامی بیابند که آنها را در تمام زندگی رهبری خواهد نمود.

## فصل دوم: تاریخ، صحت کتاب مقدس را تأیید می نماید

تحقیقات تاریخی نشان می دهد که کتاب مقدس صحیح است. مدتی قبل مخالفان کتاب مقدس تصور می کردند که کتاب مقدس از نظر تاریخی اعتبار زیادی ندارد، ولی در سال های اخیر حتی بزرگترین شکاکان نیز متوجه شدند که کتاب مقدس از نظر تاریخی بسیار معتبر است. یک وقت عده ای اظهار عقیده کردند که وقوع طوفانی نظیر آنچه در باب های اول کتاب پیدایش ذکر شده است خیلی مشکوک به نظر می رسد. ولی بررسی هایی که در مصر و بابل انجام شد، نشان داد که گزارشات متعددی در مورد این طوفان و هم چنین اشاراتی در مورد آفرینش و عدم اطاعت انسان از دستور خدا وجود دارد. غالب این نوشته ها با افسانه های بی معنی توأم می باشند. در این میان مطالب کتاب مقدس به طرز غیر قابل مقایسه ای از همه بهتر است و دلیل این امر همانا الهامی بودن کتاب مقدس می باشد. در باب یازدهم کتاب پیدایش می خوانیم که برج بابل چگونه ساخته شد: «و گفتند بیابید شهری برای خود بنا نهیمو برجی را که سرش به آسمان برسد تا نامی برای خویشتن آماده کنیم مبادا بر روی تمام زمین پراکنده شویم» (پیدایش ۱۱: ۴). مخالفان کتاب مقدس اظهار می داشتند که این افسانه ای بیش نیست، ولی نوشته هایی که بعدا کشف شدند نشان می دهد که چنین برجی وجود داشته است. هردوت مورخ یونانی که پنج قرن قبل از مسیح می زیسته است درباره برجی سخن می گوید که هشت طبقه داشته و هر طبقه دارای راه مارپیچی به سوی طبقه بعدی بوده که به بالای برج می رسیده است. آثار بابلی نشان می دهد که برج بابل توسط نمرود ساخته شد و این امر با آن چه کتاب مقدس می گوید مطابقت دارد (پیدایش ۱۰: ۹). ارتفاع این برج بیش از دویست و ده متر بود. امروزه آثار این برج به صورت تپه ای به ارتفاع ده ها متر وجود دارد.

کتاب مقدس درباره شهر اور کلدانیان به عنوان وطن اولیه ابراهیم سخن می گوید (پیدایش ۱۱: ۳۱). تا مدتی قبل این محل ناشناخته بود ولی امروزه باستان شناسان قسمت مهمی از این شهر را پیدا کرده اند. مخالفان کتاب مقدس به کتاب های موسی حمله کرده و آنها را بی اعتبار دانسته و دلیلش هم این است که در آن زمان هنوز الفبایی وجود نداشته است که بتوان کتاب نوشت. کشفیات شهر اور کلدانیان ثابت کرده است که حتی قبل از زمان ابراهیم نوشته هایی وجود داشته است. پیروان نظریه تکامل اعلام داشته اند که تمدن و دانش و مذهب به تدریج به طرف تکامل رفته اند، ولی کشفیات جدید در مورد شهرهای قدیمی بارها ثابت کرده است که تمدن های قبل از زمان ابراهیم در سطح بسیار عالی قرار داشته اند و بعد از آن هنر و دانش در این کشورها به طرف انحطاط رفته است. مثلاً ساختمان هرم بزرگ در مصر که بیش از ۴۰۰۰ سال قبل انجام شد مستلزم چنان مهارت علمی بوده است که فقط در سال های اخیر مکتشف می گردد. مخالفان کتاب مقدس شرح انهدام شهرهای سدوم و غموره به وسیله آتش را (پیدایش ۱۸: ۳۳ و ۱۹: ۱-۲۹) افسانه می پنداشتند. بررسی هایی که اخیراً در محل این شهرها به عمل آمده نشان می دهد که در این زمین ها مقادیر زیادی گوگرد و قیر طبیعی وجود دارد و این امر نشان می دهد که در این محل در زمان قدیم فاجعه ای روی داده است.

کتاب مقدس می گوید که آب های رود اردن ناگهان متوقف گردید تا اینکه بنی اسرائیل در زمان یوشع بتوانند از آن عبور کنند (یوشع ۳: ۱۶). مخالفان کتاب مقدس اعلام می داشتند که چنین واقعه ای غیرممکن است، ولی در سال ۱۹۲۷ ریزش قسمت از بستر رودخانه باعث شد که آب آن به مدت چندین ساعت متوقف بماند! کتاب مقدس به یک قوم بسیار قوی بنام حتیان اشاره می کند. تا قبل از پایان قرن نوزدهم هیچ اطلاع تاریخی در مورد این قوم وجود نداشت. مخالفان کتاب مقدس این را هم یکی دیگر از اشتباهات کتاب مقدس می دانستند ولی باستان شناسان ثابت کرده اند که این قوم یکی از قوی ترین ملل قدیم بوده است. سرزمین ادوم هم یکی دیگر از این نمونه هاست که در عهد عتیق مذکور می باشد. در تاریخ هیچ ذکری از این سرزمین وجود نداشت، ولی در اواخر قرن نوزدهم در آثار مصری و آشوری اشاراتی به ادوم یافت شد. اکتشافات بعدی باعث شد که پایتخت ادوم یعنی پترا کشف گردد. این شهر از صخره های سنگی ساخته شده بود. امروزه پترا از مهم ترین مراکز جلب سیاحان در سرزمین های کتاب مقدس است. مخالفان کتاب مقدس ادعا می کردند که دانیال نمی توانست نویسنده کتابی باشد که به اسم او معروف و شامل پیشگویی های حیرت انگیزی می باشد که به طرز عجیبی انجام شده اند. این مخالفان ادعا می کردند که این کتاب جعلی بوده و سال ها بعد از وفات دانیال کتاب نوشته شده است، ولی به این نکته توجه نشده است که پیشگویی های دانیال حتی سال ها بعد از تاریخی که مخالفان برای نوشته شدن آن تعیین کرده اند پیوسته در حال تحقق یافتن بود.



در واقع دانیال مصلوب شدن مسیح را حدود پانصد سال قبل از آن واقعه پیشگویی کرد (دانیال ۹: ۲۴). در باب پنج کتاب دانیال ذکر شده است که وقتی داریوش بابل را فتح کرد بلشصر پادشاه بود، ولی تاریخ می گوید که پادشاه بابل نبوندرز بود. منقدین کتاب مقدس این اختلاف را دلیلی بر نادرستی کتاب مقدس می دانستند، ولی کشفیات اخیر نشان می دهد که بلشصر همراه پدر خود نبوندرز با هم سلطنت می کردند. به این طریق یک بار دیگر ثابت شد که کتاب مقدس درست است و منقدین دچار اشتباه هستند. می توانیم به بحث خود ادامه دهیم و مثال های بی شماری در مورد صحت تاریخی کتاب مقدس ذکر کنیم، ولی همین چند مورد کافی است نشان دهد که در هر موردی که مخالفان سعی کرده اند در مردم شک ایجاد کنند تحقیقات باستان شناسی بعد از مدتی صحت کتاب مقدس را تأیید کرده است.

### **کتاب مقدس محل تولد مسیح را پیشگویی کرده است**

پنصد سال قبل از تولد مسیح میکاه نبی اعلام کرد که شخصی متولد خواهد شد که «طلوع های او از قدیم و ایام ازل بوده است.» این به طور واضح اشاره ای است به این که مسیح قبل از این که جسم بیوشد از ازل وجود داشته است. به علاوه میکاه پیشگویی کرد که مسیح در بیت لحم متولد خواهد شد: «و تو ای بیت لحم افراشته اگر چه در هزاره های یهودا کوچک هستی از تو برای من کسی بیرون خواهد آمد که بر قوم من اسرائیل حکمرانی خواهد نمود و طلوع های او از قدیم و از ایام ازل بوده است» (میکاه ۵: ۲). حتی چند هفته قبل از تولد مسیح مادر عیسی که وضع حملش نزدیک بود در شهر ناصره اسرائیل زندگی می کرد. حتی مریم فکر نمی کرد که باید به زودی به بیت لحم سفر نماید، ولی وقایعی که خارج از کنترل او بود باعث شد که مریم به این سفر برود. اگستس امپراطور روم فرمان داد که از تمام مردم جهان مالیات گرفته شود. به همین دلیل مریم و شوهرش یوسف مجبور بودند برای ثبت نام به زادگاه خود بروند. وقتی به بیت لحم وارد شدند هیچ جایی برای سکونت پیدا نکردند و مریم مجبور شد در آخوری فرود آید و در همان جا بود که عیسی متولد گردید. به این طریق عیسی در بیت لحم به دنیا آمد یعنی همان شهری که میکاه نبی پانصد سال قبل از تولد وی پیش گویی کرده بود. اگر الهام خدایی وجود نداشت میکاه نبی چگونه می توانست این موضوع را بداند؟

### **لازم بود مسیح از دختر باکره متولد شود**

معجزه آسا بودن تولد مسیح نباید باعث تعجب گردد. چون «طلوع های او از قدیم و از ایام ازل بوده است» پس تولد او باید به معنی مجسم گشتن یا انسان شدن خدا باشد و به همین دلیل لازم بود تولد او با تولدهای دیگر تفاوت داشته باشد و پیشگویی پیامبران هم همین بوده است: «بنابراین خود خداوند به شما آیتی خواهد داد: اینک باکره حامله شده پسری خواهد زایید و نام او را عمانوئیل خواهد خواند» (اشعیا ۷: ۱۴). مریم مادر عیسی وقتی اولین فرزند خود را به جهان آورد باکره بود: «اما ولادت عیسی مسیح چنین بود که چون مادرش مریم به یوسف نامزد شده بود قبل از آن که با هم آیند او را از روح القدس حامله یافتند» (متی ۱: ۱۸). فرشته خداوند به یوسف ظاهر شد و به او اطلاع داد که مریم به وسیله روح القدس پسری به دنیا خواهد آورد و به او گفت که نام او را عیسی خواهی نهاد، زیرا که او امت خویش را از گناهانشان خواهد رهانید» (متی ۱: ۲۱).

### **کتاب مقدس زمان دقیق تولد عیسی را پیشگویی کرد**

پیامبر توسط الهام روح القدس نه فقط توانست محل تولد مسیح را پیشگویی کند بلکه زمان تولد او را هم پیشگویی کرد. کتاب مقدس به طور دقیق زمان تولد مسیح را پیشگویی کرد. این موضوع برای دانیال نبی روشن شد. به این پیامبر گفته شد که مسیح «منقطع» خواهد گردید؛ یعنی کشته خواهد شد و این واقعه بعد از شصت و نه هفته و سال و یا ۴۸۳ سال بعد از صدور فرمان بنای مجدد اورشلیم واقع خواهد شد (دانیال ۹: ۲۴ و ۲۵). بدین طریق دانیال نبی پانصد سال قبل از تولد مسیح تاریخ تولد او را اعلام کرد.

### **کتاب مقدس نوع خدمات مسیح را پیشگویی کرد**

پیامبران پیشگویی کردند که مسیح چه نوع خدمات و کارهایی انجام خواهد داد: «روح خداوند یهوه بر من است، زیرا خداوند مرا مسح کرده است تا مسکینان را بشارت دهم و مرا فرستاده تا شکسته دلان را التیام بخشم و اسیران را به رستگاری و محبوسان را به آزادی ندا دهم و تا از سال پسندیده خداوند و از یوم انتقام خدای ما ندا نمایم و جمیع ماتمیان را تسلی بخشم» (اشعیا ۶۱: ۱ و ۲). عیسی مسیح خداوند، بشارت انجیل را موعظه خواهد کرد، ولی علاوه بر آن شکسته دلان را التیام خواهد بخشید و اسیران را رستگار خواهد ساخت و کوران را بینا خواهد نمود. این درست

همان کارهایی بود که عیسیای مسیح انجام داد. او به وسیله انجام معجزات بزرگ صحت کارهای خود را تأیید فرمود. یحیای تعمید دهنده که آمدن مسیح را مژده می داد شاگردانی نزد مسیح فرستاد و از او پرسید: «آیا آن آینده تویی یا منتظر دیگری باشیم؟» عیسی این طور جواب داد: «بروید و یحیی را از آن چه شنیده و دیده اید اطلاع دهید که کوران را بینا و لنگان را به رفتار می نماید و ابرصان طاهر و کران شنوا و مردگان زنده می شوند و فقیران بشارت می شنوند» (متی ۱۱: ۴ و ۵). این معجزات و آیات و نشانه هایی که عیسی انجام داد باعث شد که در مدت کوتاه سه سال و نیم خدمت خود این همه پیرو پیدا کند.

## فصل سوم: علم ثابت می کند که کتاب مقدس کلام خداست

### کتاب مقدس اعلام می کند که دنیا کروی شکل است

تا حدود پنج قرن قبل همه فکر می کردند که زمین مسطح است. این نظریه ظاهراً صحیح بود. عده‌ای از دانشمندان که وضع آسمان را مطالعه کرده بودند به خود جرأت دادند و گفتند زمین کروی است، ولی برای این نظریه که داشتند مورد تحقیر و آزار قرار گرفتند، زیرا بزرگترین دانشمندان آن دوره معتقد بودند که زمین مسطح است، ولی کتاب مقدس اعلام کرده است که دنیا کروی است: «آیا ندانسته و نشنیده‌اید و از ابتدا به شما خبر داده نشده است و از بنیاد زمین نفهمیده‌اید؟ اوست که بر کره زمین نشسته است و ساکنانش مثل ملخ می‌باشند اوست که آسمان‌ها را مثل پرده می‌گستراند و آنها را مثل خیمه به جهت سکونت پهن می‌کند» (اشعیا ۴۰: ۲۱-۲۲). بدین طریق در حدود ۲۶۰۰ سال قبل اشعیا نبی اعلام داشت که دنیا کروی است. کسانی که ادعا می‌کردند دنیا مسطح است عقیده داشتند که در زیر زمین ستون‌های عظیمی وجود دارد که دنیا بر روی آنها قرار گرفته است، ولی نویسنده کتاب ایوب می‌دانست که چنین ستون‌هایی وجود ندارد. او می‌گوید که دنیا در فضا معلق است: «شمال را بر جو پهن می‌کند و زمین را بر نیستی آویزان می‌سازد» (ایوب ۲۶: ۷).

### کتاب مقدس اعلام می کند که زمین حرکت وضعی دارد

کتاب مقدس به این حقیقت توجه دارد که کره زمین به دور محور خود می‌گردد. وقتی عیسی درباره برگشت خود سخن می‌گفت فرمود که چون «چون برق که از یک جانب زیر آسمان لامع شده تا جانب دیگر زیر آسمان درخشان می‌شود، پسر انسان در یوم خود هم چنین خواهد بود» (لوقا ۱۷: ۲۴). او فرمود که در مدتی کوتاه معادل زمانی که برای برق زدن لازم است در یک جا روز خواهد بود (لوقا ۱۷: ۳۰-۳۳) ولی در جای دیگر شب خواهد بود (آیه ۳۴). برای کسانی که در گذشته زندگی می‌کردند باور کردن این نکته محال بود. چطور امکان داشت که یک طرف کره زمین تاریک باشد و طرف دیگر روشن.

### کتاب مقدس متوجه بود که تعداد ستارگان بی‌شمار است

قبل از اختراع تلسکوپ مردم تصور می‌کردند که در آسمان فقط چند هزار ستاره وجود دارد. در حدود پنجاه سال قبل متوجه شدند که تعداد ستارگان به صدها میلیون می‌رسد، ولی در بیست و پنج سال اخیر متوجه شده‌اند که شمردن تعداد ستارگان عملاً امکان‌پذیر نیست. بیلیون‌ها تریلیون ستاره وجود دارد، ولی ۴۰۰۰ سال خدا با ابراهیم سخن گفت و فرمود: «اکنون به سوی آسمان بنگر و ستارگان را بشمار هر گام آنها را توانی شمرد پس به وی گفت ذریت تو چنین خواهد شد» (پیدایش ۱۵: ۵). ارمیا نیز چنین می‌فرماید: «چنانکه لشکر آسمان را نتوان شمرد و ریگ دریا را قیاس نتوان کرد هم چنان ذریت بنده خود داوود را ... زیاد خواهم گردانید» (ارمیا ۳۳: ۲۲). علمای زمان قدیم از این حقیقت بی‌خبر بودند، ولی کتاب مقدس از این خبر اطلاع داشت. چطور؟ زیرا خدا مؤلف آن بود.

### کتاب مقدس به برق یا الکتریسیته (رادیو) برای رساندن صدا از جایی به جای دیگر اشاره می‌کند

«آیا برق‌ها می‌فرستی تا روانه شوند و به تو بگویند اینک حاضریم؟» (ایوب ۳۸: ۳۵). برق زدن به وسیله الکتریسیته به وجود می‌آید. به عبارت دیگر در آیه بالا خدا از ایوب می‌پرسد آیا می‌تواند امواج رادیو را کنترل کند تا حرف‌ها را از جایی به جای دیگر ببرند. ایوب درباره رادیو هیچ چیز را نمی‌دانست، اما خدا این خصوصیت عجیب الکتریسیته را می‌دانست. امروزه صدای انسان به وسیله امواج رادیو به دورترین نقاط جهان انتقال می‌یابد.

### کتاب مقدس می‌دانست که در مرکز زمین آتش

«ژرف‌ها (یعنی ژرف‌های زمین) مثل آتش سرنگون می‌شود» (ایوب ۲۸: ۵). دانش امروزی درباره پوسته زمین اطلاعات تقریباً دقیقی دارد. به طور متوسط حرارت زمین در هر ۳۰ متر عمق یک درجه بالا می‌رود. پوسته زمین که در حدود ۳۰ تا ۷۰ کیلومتر ضخامت دارد جامد است، ولی در داخل مانند آهن گداخته مذاب می‌باشد. علم فقط در سال‌های اخیر به این حقیقت پی برده است، ولی نویسنده کتاب ایوب می‌دانست که در داخل زمین آتش دائمی وجود دارد.

### کتاب مقدس اختراع تلویزیون را پیشگویی کرده است

کتاب مقدس می گوید که در ایام آخر فرمانروایی ظهور خواهد کرد که بر ضد مسیح خواهد بود. این ضد مسیح یا دجال با دو پیامبر الهی جنگ خواهد کرد و بالاخره موفق خواهد شد که آنها را در شهر اورشلیم به قتل برساند. سپس دجال که سرمست غرور می باشد جسد های آنان را مدت سه روز و نیم در خیابان باقی خواهد گذاشت. «و گروهی از اقوام و قبایل و زبان ها و امت ها بدن های ایشان را سه روز و نیم نظاره می کنند و اجازت نمی دهند که بدن های ایشان را به قبر سپارند» (مکاشفه ۱۱: ۹). این امر چطور امکان خواهد داشت؟ تا چندین سال قبل این کار غیر ممکن بود، ولی حالا به وسیله تلویزیون صدها میلیون نفر می توانند یک واقعه را در یک زمان ببینند. با استفاده از ماهواره های تلویزیونی مردم تمام جهان می توانند یک واقعه را هم زمان با یکدیگر مشاهده کنند.

### کتاب مقدس اختراع اتومبیل را پیشگویی کرده است

«و عرابه ها در روز تهیه او از فولاد لامع است... عرابه ها را در کوچه ها به تندی می رانند. در چهار سوها به هم برمی خورند. نمایش آنها مثل مشعل هاست و مانند برق می دوند» (ناحوم ۲: ۳ و ۴). این یکی از برجسته ترین پیشگویی های کتاب مقدس است. جزئیات پیشگویی اختراع اتومبیل به قدری دقیق است که درمورد آن نمی توان سؤ تفاهمی داشت. این خودروهای عجیب که ناحوم در رؤیای خود دید مانند مشعل بود که اشاره ای است به چراغ های پرنور اتومبیل های امروزی رانند تند همان کاری است که توسط اتومبیل های ما انجام می شود و به طور خلاصه این دو آیه اشاره ای است به ترافیک شلوغ و خطرناک امروزی در شهرهای بزرگ جهان. ناحوم در رؤیای خود مشاهده کرد که این خودروها «مانند برق ها می دوند» و «در چهار سوها به هم برمی خورند». اتومبیل های امروزی طوری ساخته شده اند که می توانند بیش از صد و پنجاه کیلومتر در ساعت سرعت داشته باشند و برای ناحوم که با سرعت حرکت شتران آشنا بود این سرعتی که در رویا اشاره نمود مانند برق جلوه کرد.

## فصل چهارم: پیشگویی‌های انجام شده که صحت کتاب مقدس را ثابت می‌کنند

حداقل نیم بیلیون نفر از مردم جهان ایمان دارند که کتاب مقدس کلام خداست و الهام شده می‌باشد و حقایق مربوط به زندگی پس از مرگ را به ما نشان می‌دهد و دارای پیام نجات و زندگی ابدی است. اینها این موضوع را از کجا می‌دانند؟ آیا دلیل قاطعی دارد که نشان دهد کتاب مقدس دارای الهام الهی است؟ آیا دلیلی دارند که دادگاه‌پسند باشد؟ بلی چنین دلایلی دارند و این دلایل بسیار محکم می‌باشد. در فصل قبل بعضی از پیشگویی‌های مربوط به اختراعات و کشفیات علمی را که سال‌ها قبل انجام شده بود ذکر کردیم. پیشگویی‌های بسیار دیگری وجود دارد که در آنها پیامبران مقدس الهی حوادث صدها و حتی هزاران سال قبل را نبوت کرده‌اند. انجام یافتن این پیشگویی‌ها به قدری حیرت‌انگیز است که هر شخص بی‌غرضی قبول خواهد کرد که بدون الهام الهی این امر امکان‌پذیر نیست. حالا به چند پیشگویی در این مورد اشاره خواهیم کرد:

### پیشگویی چهار امپراطوری جهان

«قوای پادشاهی می‌دید و اینک تماثل عظیمی بود و این تماثل بزرگ که درخشندگی آن بی‌نهایت و منتظر آن هولناک بود پیش روی تو برپا شد. سراین تماثل از طلای خالص و سینه و بازوهایش از نقره و شکم و رانهایش از برنج بود و ساقهایش از آهن و قدری از گل بود و مشاهده می‌نمودی تا سنگی بدون دست‌ها جدا شده پاهای آهنین و گلین آن تماثل را زد و آنها را خرد ساخت. آنگاه آهن و گل و برنج و نقره و طلا با هم خرد شد و مثل کاه خرمن تابستانی گردیده باد آنها را چنان برد که جایی به جهت آنها یافت نشد و آن سنگ که تماثل را زده بود کوه عظیمی گردید و تمامی جهان را پر ساخت» (دانیال ۳۱: ۳۵). این نبوت حیرت‌انگیز چهار امپراطوری جهانی هم در باب دوم دانیال و هم در باب هفتم آن یافت می‌شود. در این دو باب شرح داده شده است که پیامبر چگونه در رویا ظهور و انقراض چهار امپراطوری جهانی را یکی پس از دیگری مشاهده کرد. این چهار امپراطوری عبارت بودند از: ماد و پارس، یونان و روم. در باب دوم دانیال در رویای تمثال یا مجسمه عظیم، سر طلایی به منزله امپراطری بابل است. بازوها و سینه نقره‌ای به منزله دو امپراطوری ماد و پارس است که بعد از بابل ظهور کرد. شکم و رانهای برنجین امپراطوری یونان و دو ساق آهنین امپراطوری روم بودند. دو ساق در امپراطوری روم نشان‌دهنده روم شرقی و روم غربی بود. تحقق عجیب این پیشگویی ثابت می‌طکند که دانیال در حدود ۲۵۰۰ سال قبل زندگی می‌کرد، دارای الهام الهی بود. به قول یکی از نویسندگان: «در کتاب مقدس پیشگویی‌های صحیحی یافت می‌شود که در جای دیگر وجود ندارد».

ولی عجیب‌ترین قسمت پیشگویی دانیال این است که درباره امپراطوری پنجم سخن می‌گوید که امپراطوری یا ملکوت خداست که تا ابد پایدار خواهد بود: «و در ایام این پادشاهان خدای آسمان‌ها سلطنتی را که تا ابدالابد زایل نشود برپا خواهد نمود و این سلطنت به قومی دیگر منتقل نخواهد شد بلکه تمامی آن سلطنت‌ها را خرد کرده مغلوب خواهد ساخت و خودش تا ابدالابد استوار خواهد ماند» (دانیال ۲: ۴۴).

صور، بزرگترین شهر دریایی طبق پیشگویی کتاب مقدس نابود شد

«بنابر این خداوند یهوه چنین می‌گوید: هان ای صور من به ضد تو می‌باشم و امت‌های عظیم بر تو خواهم برانگیخت به نهجی که دریا امواج خود را برمی‌انگیزاند و حصار صور را خراب کرده برج‌هایش را منهدم خواهد ساخت و غبارش را از آن خواهند رفت و آن را به صخره صاف تبدیل خواهم نمود و او محل پهن کردن دام‌ها در میان دریا خواهد شد زیرا خداوند یهوه می‌فرماید که من این را گفته‌ام... سنگ‌ها و چوب و خاک تو را در آب خواهند ریخت... و بار دیگر بنا نخواهی شد، زیرا خداوند یهوه می‌فرماید. من که یهوه هستم این را گفته‌ام» (حزقیال ۲۶: ۳-۵ و ۱۲-۱۴). چهار یا پنج قرن قبل از مسیح صور یکی از نیرومندترین شهرهای جهان بود. ساکنان آن از معروفترین دریانوردان و تجار جهان آن روز بودند. شهر به صورت بسیار محکمی ساخته شده بود و در دریای شمال فلسطین دارای موقعیت سوق‌الجیشی خیلی حساسی بود، ولی این شهر پر از شرارت بود و به سبب همان گناهان حزقیال نبی محکومیت آن را اعلام کرد. پیامبر پیشگویی کرد که دیوارهای شهر فرو ریخته خواهد شد و حتی غبار هم از روی شهر پاک خواهد گردید.

پیشگویی چنین ادامه پیدا می‌کند: «سنگ‌ها و چوب و خاک تو را در آب خواهند ریخت» واقعا این پیشگویی عجیب و

غریب است و چنین به نظر می‌رسد که احتمال تحقق آن کم باشد، ولی زمانی فرا رسد که نبوکدنصر پادشاه بابل، صور را تصرف کرد و دیوارها و برج‌های آن را منهدم ساخت. مردم شهر چیزهای قیمتی را به جزیره‌ای که در یک و نیم کیلومتری شهر قرار داشت انتقال داده بودند. بدین طریق سنگ‌ها و چوب و خاک در آب‌ها قرار داشت. پیشگویی تا حدی انجام شده بود، ولی نه به طور کامل. سپس دو قرن بعد نیروهای فاتح اسکندر کبیر بر این شهر حمله کردند. اسکندر از اهالی شهر خواست که تسلیم شوند، ولی آنها که از استحکامات جزیره خود اطمینان داشتند پیشنهاد او را قبول نکردند، ولی اسکندر کبیر از ساحل راهی به طرف جزیره درست کرد. او «سنگ‌ها و خاک و چوب» را جمع کرد و به دریا ریخت و از راهی جدید که درست شد با سپاهیان خود به شهر حمله برد و آن را فتح کرد. امروز بعد از ۲۵۰۰ سال یک قسمت دیگر از نبوت حزقیال درمورد صور انجام شده است. نبوت این است: «و او محل پهن کردن دام‌ها در میان دریا خواهد شد... و بار دیگر بنا نخواهی شد.» جزیره صور اکنون یک شهر کوچک و کم‌اهمیت چند هزار نفری است، ولی شهر بزرگ ساحلی صور که در زمان نبوکدنصر منهدم گردید برای همیشه نابود شده است. ماهیگیران در سواحل شهر ویران شده دام‌های خود را به دریا می‌اندازند و نبوت پیامبر را به انجام می‌رسانند.

### ولی شهر صیدون تاکنون پایدار است

در شمال صور شهر دیگری بنام صیدون قرار داشت. حزقیال نبی درمورد این شهر پیشگویی کاملاً متفاوتی کرد. پیشگویی درمورد این نبوت که صیدون منهدم خواهد شد، بلکه این بود که کوچه‌هایش خونین خواهد شد و شمشیر بر ضد آن خواهد بود. نبوت درباره صیدون این است: «خداوند یهوه چنین می‌فرماید: اینک ای صیدون من به ضد تو هستم و خویشتن را در میان تو تمجید خواهم نمود حینی که بر او داوری کرده خویشتن را در وی تقدیس نموده باشم... و وبا در او و خون در کوچه‌هایش خواهم فرستاد و مجروحان به شمشیری که از هر طرف بر او می‌آید در میانش خواهند افتاد. پس خواهند دانست که من یهوه هستم» (حزقیال ۲۸: ۲۲-۲۴). هرچند صیدون به سختی محکم شده است، ولی در پیشگویی پیامبر سخنی از انهدام مانند صور به میان نیامده است. هرچند صور کاملاً منهدم گردید صیدون تاکنون پایدار مانده است. صیدون تاریخ پر فراز و نشیبی داشته است. بارها محاصره شده و تسخیر گردیده و دوباره رهایی یافته است. در کوچه‌های آن خون‌ها جاری شده و بارها به شمشیر افتاده است، ولی تا امروز وجود دارد.

### مراجعت یهودیان به اسرائیل

شرح مراجعت یهودیان یک معجزه حیرت‌آور است. در واقع زندگی قوم اسرائیل همیشه معجزه‌آسا بوده است. خدا به طرز معجزه‌آسا و خارق‌العاده‌ای در حدود ۴۰۰۰ سال پیش پدر قوم اسرائیل یعنی ابراهیم را خواند. آزادی اسرائیل از مصر و از اسارت فرعون به وسیله رهبر بزرگشان موسی خود معجزه عظیمی است. کتاب مقدس که توسط پیامبران اسرائیل نوشته شد نمونه‌ای از الهام معجزه‌آسای خداست. تولد مسیح موعود به عنوان انجام پیشگویی‌های کتاب مقدس بزرگتر از تمام این معجزات است. بالاخره مراجعت قوم خدا به سرزمین خود بعد از ۱۹۰۰ سال آوارگی طبق پیشگویی پیامبران از بزرگترین معجزات این عصر می‌باشد. چرا اسرائیل قرن‌ها در مقابل سایر ملل پراکنده بود؟ برای درک این مطلب باید توجه داشته باشیم که موسی به آنها وعده داده بود که اگر خدا را اطاعت کنند برکات الهی را خواهند دید، ولی اگر شریعت را اطاعت نمایند دچار محکومیت خواهند شد. اگر نافرمانی کنند به جای این که برکت بیابند لعنت خواهند یافت و از سرزمین خود بیرون رانده خواهند شد: «و واقع می‌شود چنان که خداوند به شما شادی نمود تا به شما احسان کرده شما را بیفزاید هم چنین خداوند بر شما شادی خواهد نمود تا شما را هلاک و نابود گرداند و ریشه شما از زمینی که برای تصرفش در آن داخل می‌شود کنده خواهد شد. و خداوند تو را در میان امت‌ها از کران زمین تا کران دیگرش پراکنده سازد و در آن جا خدایان غیر را از چوب و سنگ که تو و پدرانت نشناخته‌اید عبادت خواهی کرد و در میان این امت‌ها استراحت نخواهی یافت و برای کف پایت آرامی نخواهی بود» (تثنیه ۲۸: ۶۳-۶۵).

این پیشگویی در زمان حمله آشوری‌ها و بابلی‌ها و هم چنین به طور قطع در سال ۷۰ میلادی به وسیله حمله رومی‌ها و خرابی اورشلیم مرکز اسرائیل انجام شد، اما هرچند تنبیه اسرائیل در طی قرون متمادی خیلی شدید بوده است، ولی پایانی دارد. بالاخره همان طوری که از پیشگویی‌ها می‌توان فهمید بنی‌اسرائیل به سرزمین خود مراجعت می‌نمایند. در نبوت‌ها این طور می‌خوانیم که بعد از این که اسرائیل تنبیه شد و قرن‌ها پراکنده گردید در زمان معین به کشور خود مراجعت خواهد کرد. به عنوان یک نمونه از این نبوت‌ها در اینجا حزقیال باب ۳۳ را ذکر می‌کنیم: «و شما را از میان

امت‌ها می‌گیرم و از جمیع کشورها جمع می‌کنم و شما را در زمین خود در خواهم آورد... و دل تازه به شما خواهم داد و روح تازه در اندرون شما خواهم نهاد و دل سنگی را از جسد شما دور کرده دل گوشتین به شما خواهم داد. و روح خود را در اندرون شما خواهم نهاد و شما را به فرایض خود سالک خواهم گردانید تا احکام مرا نگاه داشته آنها را به جا آورید و در زمینی که به پدران شما دادم ساکن شده قوم من خواهید بود و من خدای شما خواهم بود... خداوند یهوه چنین می‌فرماید: در روزی که شما را از تمامی گناهانتان طاهر سازم شهرها را مسکون خواهم ساخت و خرابی‌ها معمور خواهد شد و زمین ویران که به نظر رهگذران خراب می‌بود شیار خواهد شد و خواهند گفت این زمینی که ویران بود مثل باغ عدن گردیده است و شهرهایی که خراب و ویران و منهدم بود حصاردار و مسکون شده است و امت‌هایی که به اطراف شما باقی مانده باشند خواهند دانست که من یهوه مخروبات را بنا کرده‌ام و ویرانی‌ها را غرس نموده‌ام من یهوه هستم تکلم نموده و به عمل آورده‌ام» (حزقیال ۳۶: ۲۴ و ۲۶-۲۸ و ۳۳-۳۶).

شرح مراجعت قوم اسرائیل به فلسطین بسیار حیرت‌آور است. در زمان جنگ جهانی اول صنایع جنگی انگلستان به کمبود استن که برای ساختن مهمات خیلی لازم بود دچار گشتند. مقامات دولتی انگلیس از دکتر وایزمن که یک شیمیدان سرشناس یهودی بود درخواست کردند که آنها را در حل این مشکل کمک نماید. دکتر وایزمن این درخواست را پذیرفت و به زودی مشکل را حل کرد. دولت انگلیس در ازای این خدمت مهم تصمیم گرفت پاداش مناسبی به دکتر وایزمن بدهد. وقتی موضوع به دکتر وایزمن اطلاع داده شد او گفت که چیزی برای خودش نمی‌خواهد، ولی مایل است که اگر ممکن باشد برای آزادی قوم یهود از آوارگی میان ملل قدمی برداشته باشد. به این طریق بود که هدف‌های صهیونیزم مورد شناسایی قرار گرفت و در دوم نوامبر سال ۱۹۱۷ طی اعلامیه بالفور اعلام گردید که دولت انگلیس موضوع مراجعت یهودیان به فلسطین را با نظر مساعد می‌نگرد.

تقریباً یک ماه بعد از این اعلامیه اورشلیم به دست انگلیسی‌ها افتاد و جامعه ملل هم بعداً اعلامیه بالفور را تأیید کرد. بعد از این تصمیم ارض مقدس تحت‌الحمایه انگلستان گردید و بدین طریق راه برای مراجعت یهودیان به فلسطین هموار شد. به زودی تغییرات عظیمی در کشور حاصل شد. میلیون‌ها درخت توسط مهاجران جدید کاشته شد. تمام باتلاق‌ها را خشک کردند. بر اثر کوشش و تلاش بی‌حد کشور کاملاً آباد شد. راه‌های زیادی ساختند و کارخانه‌های جدید وارد کردند. وضع شهرها و دهات به کلی دگرگون شد و تعداد یهودان به دو میلیون نفر رسید. تنبیه قوم اسرائیل و پراکندگی آنها در جهان طبق پیشگویی پیامبران انجام شد. امروز بعد از ۱۹۰۰ سال این قوم به وطن خود مراجعت کرده است و این امر هم درست مطابق پیشگویی انبیا انجام می‌شود. کتاب مقدس چطور توانسته است حوادث را هزاران سال قبل از وقوع پیشگویی نماید؟ تنها علت این است که پیامبران با قدرت و حکمت روح‌القدس سخن گفته‌اند.

### **چرا باید کتاب مقدس را به عنوان کلام خدا بپذیریم**

فقط یک خدای حقیقی وجود دارد، خدا که خالق تمام کائنات می‌باشد از ازل وجود داشته است. خدا خدایی است نیکو و پر از محبت. انسان را برای دوستی و مصاحبت با خودش خلق فرمود، ولی انسان فریب شیطان را خورد و علیه خدا عصیان کرد و گناه ورزید و از آن زمان به بعد انسان از خدا جدا می‌باشد و این خود بزرگترین تنبیه است. خدا برای این که انسان را به مصاحبت با خالق خود برگرداند اراده و نقشه مقدس و عالی خود را در کلامش یعنی کتاب مقدس آشکار نمود. به انسان این فرصت داده شد که قبل از وقوع بداند که فرزند خدا یعنی مسیح به جهان خواهد آمد و به خاطر گناهان ما جان خود را فدا ساخت. وعده‌های آمدن مسیح در عهد عتیق ذکر شده است. عهد جدید که شامل تعالیم مسیح و دستورات خدا در مورد کلیسا می‌باشد، به همه توانایی می‌دهد که یک زندگی صحیح و بادوام و پیروزمندانه مسیحی داشته باشند. اگر مسیح را در زندگی خود بپذیریم خدا گناهان ما را خواهد بخشید و درست مثل شخصی خواهیم بود که هرگز گناه نکرده است، چون از گناه آزاد شده‌ایم با وجود این که در جهان زندگی می‌کنیم، می‌توانیم با خدا مصاحبت و دوستی داشته باشیم. وقتی زندگی ما در این جهان به پایان رسد تا به ابد در ملکوت خدا به سر خواهیم برد.

### **مرگ مسیح بر روی صلیب برای شما چه مفهومی دارد**

چند لحظه درباره روزی که مسیح مصلوب گردید فکر کنیم. او در میان آسمان و زمین آویزان شده و تماشاگاه مردم و فرشتگان بود و عذاب و شکنجه او هر لحظه غیرقابل تحمل‌تر می‌شد. اعدام شدن به وسیله صلیب تمام دردهای

مرگ را در یکجا جمع می‌نماید، تشنگی، تب، رسوایی علنی، عذاب طویل‌المدت. حالا وقت ظهر بود یعنی روشن‌ترین ساعت روز، ولی برعکس تاریکی و ظلمت زمین را فرا گرفت. طبیعت که نمی‌توانست شاهد چنین منظره‌ای باشد نور خود را پس گرفت و آسمان تاریک شد. این تاریکی بر روی تماشاگران تأثیر فوری داشت. آنها دیگر مسخره و سرزنش نمی‌کردند. مردم به تدریج محل را ترک می‌کردند و عیسی را تنها می‌گذاشتند که به تنهایی در منتهای خفت و خواری جان بدهد، ولی هنوز موضوعی وحشتناک‌تر در پیش بود. عیسی که پیوسته با خدا مصاحبت و یگانگی داشت متوجه شد که هم مردم و هم خدا او را ترک کرده‌اند. فریاد مسیح حتی امروز هم ما را به لرزه درمی‌آورد: «الهی، الهی، مرا چرا ترک کرده‌ای؟». از قرار معلوم، خدا فقط یک چیز را از فرزند خود مسیح پنهان داشته بود، زیرا ممکن بود حتی او قدرت تحمل آن را نداشته باشد. عیسی این حقیقت تلخ را فقط در آخرین لحظات عمر خود بر روی صلیب درک کرد. وقتی خورشید روی خود را در تاریکی پوشانید، حضور خدا هم ناپدید شد. عیسی بارها دیده بود که مردم او را ترک کرده بودند، ولی هربار با اطمینان به سوی پدر آسمانی خود رو می‌آورد، ولی این بار حتی خدا هم او را ترک کرده بود!

خدا واقعا او را ترک کرده بود. هر چند این امر چند لحظه بیشتر طول نکشید، ولی واقع شد. دلیل آن هم روشن است در آن لحظات تمام گناهان جهان با تمام زشتی و قباحات بر روی عیسی قرار گرفت. عیسی گناه شد: «زیرا او را که گناه نشناخت در راه ما گناه ساخت تا ما در وی عدالت خدا شویم» (دوم قرن‌تیاں ۵: ۲۱). در این جاست که می‌توانیم دلیل این واقعه را بفهمیم. مسیح به خاطر ما گناه شد. او گناه جهان را بر خود گرفت و این شامل گناهان من و تو نیز هست. به همین دلیل لازم بود که مجازات گناهان را هم قبول کند و حالا بالاخره به پایان ماجرا نزدیک می‌شود. از دست دادن خون ایجاد تشنگی بی‌حد می‌نماید. عیسی فریاد کرد «تشنه‌ام». او که بر صلیب آویزان شد تشنه گردید. او اکنون همان کسی است که عطش روح ما را فرو می‌نشاند: «هر که تشنه باشد نزد من آید و بنوشد» (یوحنا ۷: ۳۷). لحظه‌نهایی فرا رسید. عیسی سر خود را پایین انداخت و وقتی جان می‌داد فرمود «تمام شد» نجات و رستگاری انسان انجام شد. این نجاتی نبود که به وسیله شریعت و روزه و ریاضت و زیارت به دست آید! این نجات به طور کامل انجام شده است. دیگر لازم نیست که ما با کارهای خودمان آن را تکمیل نماییم. هیچ چیز دیگری لازم نیست که انجام دهیم، بلکه فقط باید آن را بپذیریم. احتیاجی به تلاش و کوشش وجود ندارد، بلکه لازم است آن چه را که خدا با فداکاری بی‌حد آماده کرده است به آرامی قبول نماییم.

بدین طریق عیسی برای نجات ما جان داد، ولی سه روز بعد با پیروزی پر جلال زنده شد و دیگر هرگز نمی‌میرد. به همین دلیل می‌فرماید: «از این جهت که من زنده‌ام شما هم خواهید زیست» (یوحنا ۱۴: ۱۹). خدا هر کاری را که لازم بود انجام داده است تا تو بتوانی حیات ابدی داشته باشی. او جریمه گناهان تو را به طور کامل پرداخت نموده است. حالا تو باید او را بپذیری. خدا تمام افکار باطنی تو را می‌داند. اگر تو عیسای مسیح فرزند خدا را صمیمانه در قلب خود جا بدهی تولد جدیدی پیدا خواهی کرد. تو فرزند خدا خواهی شد و خدای پدر، پدر تو خواهد گردید.